

فہرست

# اسناد بین الملل اول



فہرست

رسوئے تالیفات

## کارل مارکس

۸۲ رسوئے تالیفات - ۲۷۹۵۷۷۸۸ - ۲۷۹۵۷۷۸۸

### ترجمہ مراد فرہادپور و صالح نجفی

۱۳	رسوئے تالیفات
۱۶	رسوئے تالیفات
۲۸	رسوئے تالیفات
۳۵	رسوئے تالیفات
۵۲	رسوئے تالیفات

### اسناد بین الملل اول

۶۵	Mark Kati	۸۱۸۱-۸۲۸۱
۶۷	رسوئے تالیفات	۲۶۶۲
۶۹	رسوئے تالیفات	۲۶۶۲-۲۶۶۲
۱۲۵	رسوئے تالیفات	۲۶۶۲-۲۶۶۲
۱۲۶	رسوئے تالیفات	۲۶۶۲-۲۶۶۲
۱۴۱	رسوئے تالیفات	۲۶۶۲-۲۶۶۲
۱۴۹	رسوئے تالیفات	۲۶۶۲-۲۶۶۲
۱۵۷	رسوئے تالیفات	۲۶۶۲-۲۶۶۲



انتشارات ہرمس

## پیشگفتار مترجمان

### فهرست

پیشگفتار مترجمان	هفت
اسناد بین‌الملل اول: ۱۸۶۴-۷۰	این تلاطمها طی صد سال
خطابه آغازین انجمن بین‌الملل کارگران	۱
قواعد و مقررات مقدماتی	۱۳
رهتموده‌هایی برای نمایندگان اعزامی به کنگرهٔ ژنو	۱۶
گزارش به کنگرهٔ بروکسل	۲۸
گزارش به کنگرهٔ بازل	۳۵
از طرف شورای عمومی خطاب به شورای فدرال بخش فرانسوی سوییس	۵۳
اسناد بین‌الملل اول: ۱۸۷۱-۲	در طی چند دهه گذشته
قطعه‌نامهٔ کنفرانس لندن دربارهٔ کنش سیاسی طبقهٔ کارگر	۶۵
سخنرانی در هفتمین سالگرد تأسیس بین‌الملل	۶۷
شکافهای ادعایی در بین‌الملل [کارل مارکس و فردریک انگلس]	۶۹
گزارش به کنگرهٔ لاهه	۱۲۵
سخنرانی دربارهٔ کنگرهٔ لاهه	۱۳۶
کناره‌جویی سیاسی	۱۴۱
گزیدهٔ رسالهٔ باکونین: دولت‌گرایی و آنارشوی	۱۴۹
پرده بالا می‌رود	۱۵۷



پیشگفتار مترجمان

همان طور که رالف میلیباند در کتاب خود مارکسیسم و سیاست می گوید، این پرسش که «سیاست مارکسیسم چیست؟» تاکنون پاسخی درخور نیافته است. تلاشهای گوناگون برای رفع این کمبود تقریباً همواره در هیئت نوعی بازگشت به مارکس یا کشف دوباره چهره‌هایی چون گرامشی، لوکزامبورگ و ... جلوه‌گر شده است. بی‌نتیجه ماندن و تکرار دوباره و دوباره این تلاشها طی صد سال گذشته خود گواهی است بر این حقیقت که سیاست را نمی‌توان به‌مثابه نوعی علم به صورتی صرفاً نظری بنیاد نهاد؛ و در واقع یکی از علل اصلی شکست این تلاشها، و از جمله تلاش خود میلیباند، ندیدن تمایز میان سیاست و علوم سیاسی بوده است، زیرا، در تقابل با اولی به‌مثابه یک فرایند پیچیده عملی - نظری - تاریخی، دومی هیچ‌گاه چیزی بیش از یک ابزار آکادمیک برای تربیت دولتمردان و علمی جلوه‌دادن عملکرد دستگاههای حکومتی نبوده است.

در طی چند دهه گذشته بازگشت به مارکس به شکلهای متعدد روی داده است. در بسیاری موارد، مسئله از حد تأسیس نوعی سیاست مارکسیستی فراتر رفته است و حاصل کار ارائه تفسیرهای فلسفی - نظری جدیدی از کلیت اندیشه مارکس بوده است، آن هم از طریق گره زدن مارکس با فیلسوفان برجسته و ظهور انواع گوناگونی از مارکس کانتی، اسپینوزایی، روسویی، ارسطویی یا حتی مارکس تحلیلی. تا آنجا که به بحث ما مربوط می‌شود، یکی از مهمترین نتایج این‌گونه تلاشها ظهور تمایز مارکس و مارکسیسم است که بویژه در چند دهه گذشته، یعنی دوره سیطره نئولیبرالیسم و عقب‌نشینی اندیشه انتقادی رادیکال، جذابیت بسیار داشته است.